

## سر مقاله مسئولیت سلامتی با کیست؟

شرایطی که در آن انسان به دنیا می‌آید، رشد می‌کند، تحصیل و کار می‌کند و پا به سن می‌گذارد، تأثیر زیادی بر سلامتی جسمی و روانی او دارد.

به این شرایط زندگی، «مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر سلامت» (Social Determinants of Health) گفته می‌شود. شرایط زندگی انسان‌ها به طور مداوم و از طریق غشای سلولی در حال ترجمه شدن به زبان ژن‌ها است. این ترجمه می‌تواند تغییرات ساختمانی و عملکردی در ژن‌ها ایجاد کند. شیوه زندگی بیش‌تر انسان‌ها از شرایط زندگی آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. شرایط بیماری‌زایی مانند آلودگی هوا، حاشیه‌نشینی، بیکاری و استرس‌های شغلی از جمله مواردی هستند که می‌توانند در کارکرد اعضای مختلف بدن انسان، بویژه سیستم ایمنی، قلب، مغز، ریه‌ها، دستگاه گوارش و کلیه‌ها اختلال ایجاد کنند. شرایط زندگی انسان در واقع فضایی است که جسم و روان انسان‌ها را احاطه کرده است. این فضا از خانه و خانواده شروع می‌شود و تا محله، محل کار، کل جامعه و سیاست‌های کلان مملکت مانند سیاست‌های آموزش و پرورش ادامه دارد. اهمیت این سیاست‌های کلان در سلامتی انسان‌ها بسیار زیاد است، به طوری که سازمان جهانی بهداشت از همه دولت‌ها می‌خواهد، سلامتی را در همه انواع سیاست‌های کلان کشورشان در نظر بگیرند. عوامل خطری که در فضای پیرامونی وجود دارند در واقع علل غیرجسمی و غیرروانی بیماری‌ها هستند.



**دکتر غلامحسین خدایی**

مدیر مسؤول

افزایش بروز علل غیرجسمی و غیرروانی بیماری‌های جسمی و روانی در سال‌های اخیر، همچنین وجود شواهد علمی قوی در مورد نقش بی‌بدیل مشارکت‌های مردمی در تأمین، حفظ و ارتقای سلامتی، توجه شهروندان به نوع دیگری از پزشکی در ایران را ضروری کرده است. برای تعریف این پزشکی، باید پزشکی رایج را مورد توجه قرارداد. در پزشکی رایج چه از نوع مدرن و چه از نوع سنتی، عمده مداخله‌های تشخیصی، درمانی و پیشگیرانه پزشکی توسط پزشکان و سایر کارکنان بهداشتی درمانی روی جسم و به میزان کمتری روی روان انسان‌ها اعمال می‌شود. اما باید توجه کرد که ریشه بیماری بسیاری از بیماران مبتلا به بیماری‌های جسمی و روانی به جای این که در جسم یا روان آنان باشد، در فضای پیرامونی جسم و روان است. بنابراین پیشگیری ریشه‌ای تقریباً همه بیماری‌های شایع و درمان ریشه‌ای تعداد قابل توجهی از بیماران، نیازمند مداخله در فضای پیرامونی جسم و روان است. مداخله مؤثر در فضای پیرامونی بدون مشارکت مردم بسیار مشکل است.

یکی از اصول مراقبت‌های بهداشتی اولیه (PHC) مشارکت شهروندان جامعه است. مشارکت شهروندان در بهتر کردن فضای پیرامونی موجب ارتقای سطح سلامت روانی و جسمی مردم می‌شود.

کنش و مشارکت اجتماعی شهروندان نیز ممکن است موجب بهتر شدن وضعیت سلامتی خود آنها هم بشود. در بیانیه نخستین مجمع ملی سلامت ایران که در هشتم اسفندماه ۱۳۹۵ با حضور رئیس جمهور و رئیس شورای عالی سلامت و امنیت غذایی کشور تشکیل شد، آمده است: «اسناد بین‌المللی مرتبط با ارتقای سلامت بیانگر این واقعیت است که جلب مشارکت مؤثر گروه‌های مختلف مردم و همه بخش‌های جامعه، از مرحله تعیین مشکل در سطح محلی تا پیشنهاد راه حل، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های ارتقای سلامت در سطح ملی، امری اجتناب‌ناپذیر است.»

لذا نظام مدیریت سلامت کشور باید تفویض اختیار و مسؤولیت به مردم را در حوزه سلامت، در اولویت قرار دهد و تشکیل مجمع ملی سلامت گامی ارزشمند در تبلور این رویکرد است». اهمیت مشارکت شهروندان در پیشگیری از بیماری‌ها و درمان بیماران از طریق بهتر کردن شرایط زندگی، آنچنان زیاد است که مداخله‌های پزشکی را می‌توان به دو دسته بزرگ تقسیم‌بندی کرد:

دسته اول؛ پزشکی مرکزی که در آن پزشکان و سایر کارکنان بهداشتی درمانی، خدمات تشخیصی، درمانی و پیشگیرانه را عمدتاً بر روی جسم و به میزان کمتری روی روان اعمال می‌کنند.

دسته دوم؛ پزشکی پیرامونی که در آن عموم شهروندان خدمات تشخیصی، درمانی و پیشگیرانه را روی فضای پیرامونی جسم و روان اعمال می‌کنند. پزشکی پیرامونی در واقع تلفیقی از سه رکن مشارکت‌های مردمی در حوزه سلامت، رویکرد مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر سلامت و رویکرد «سلامتی در همه سیاست‌ها» است.



عوامل مؤثر بر سلامت